



عملیات طریق القدس

امیر رزاقزاده*

	<p>جنگ عراق علیه ایران از جمله حوادث تاریخی است که در سطوح گوناگون ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیراتی شگرف به جای گذاشته است از جمله تحولاتی که می‌توان به آن اشاره کرد، کسب تجاربی در عرصه‌های دفاعی - نظامی است. بهره‌گیری از نتایج و درس‌های نبردها می‌تواند، مورد استفاده جنگ‌ها و بحران‌های آینده قرار گیرد. اولین نبردی که در چارچوب استراتژی نظامی - دفاعی ایران طراحی، تصویب و اجرا شد عملیات طریق‌القدس نام گرفت که از جایگاه ویژه‌ای نزد نظامیان برخوردار است. نویسنده این مقاله به جایگاه عملیات طریق‌القدس در استراتژی جنگ و نیز چگونگی اجرای عملیات می‌پردازد. آگاهی از چگونگی عملکرد چنین نبردی می‌تواند برای مجموعه‌های آکادمیک نظامی و غیرنظامی مؤثر واقع گردد.</p> <p>واژگان کلیدی: عملیات طریق‌القدس، استراتژی جنگ، کرخه، بستان.</p>			<p style="text-align: center;">چکیده</p>
--	--	--	--	---

مقدمه

جنگ ایران و عراق، حادثه تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی بود که در بستر مجموعه‌ای از عوامل مختلف و زمینه‌های متفاوت شکل گرفت. متعاقب هجوم سراسری ارتش عراق در ۱۳۵۹/۶/۳۱ از مرزهای غربی کشور، بخش‌های مهمی از خاک کشور ایران و شهرهای نوار مرزی نظیر خرمشهر، هویزه، بستان، دهلران، مهران نفت‌شهر، قصرشیرین و ... به اشغال دشمن درآمد.

در بخش میانی استان خوزستان، عمده تلاش دشمن معطوف به تسخیر شهر اهواز از محور مواصلاتی بستان و سوسنگرد و الحاق و ترمیم خطوط پیشروی بود. اگرچه تلاش‌هایی به منظور ادامه تصرف مناطق یادشده توسط ارتش عراق صورت گرفت، اما دفاع و پایداری نیروهای مسلح به همراه مقاومت و ایستادگی مردم، توقف ماشین جنگی دشمن را به دنبال داشت. تدبیر رزمندگان اسلام و اجرای طرح‌های پدافندی دیگری همچون آب‌اندازی (سیلاب مصنوعی) مانع اشغال جنوب

* نویسنده و راوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

یکدست شدن حاکمیت و اطمینان خاطر از فضای امنیت داخلی و یگانگی نیروهای مسلح و عزم آنان به منظور مقابله جدی با دشمن، با اقبال فراوان روی به جبهه‌های جنگ آوردند تا با پیروزی‌های خود آینده دیگری را برای کشور رقم زنند. در واقع این مقاله معطوف به بررسی عملیات طریق‌القدس از مرحله طراحی تا اجرا می‌باشد.

جایگاه طریق‌القدس در استراتژی جنگ

پس از عملیات ثامن‌الائمه^(ع) استراتژی نظامی و عملیاتی و نیز تاکتیک‌های نظامی ایران دگرگون شد. در این حال، تحولات مثبت سیاسی نیز بر روند تحولات نظامی اثر گذاشت، آثار تحولات خوشایند سیاسی - نظامی به تدریج در حوزه نظامی نمایان شد، از یک سو، با افزایش حضور نیروهای مردمی، سپاه تلاش‌های جدیدی را برای گسترش سازمان رزم انجام داد و از سوی دیگر، فرماندهان ارتش و سپاه استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی را طرح‌ریزی کردند.

در تدوین این استراتژی، برای طرح‌ریزی در مرحله جدید، دو اصل در نظر گرفته شد: "اول اینکه عملیات‌ها مسلسل‌وار و پشت سرهم انجام شود و وقفه آن کوتاه باشد دوم، در هر عملیاتی که صورت می‌گیرد دو تا سه برابر عملیات قبلی توان رزمی افزایش و وارد صحنه شود."^(۱)

مبتنی بر این استراتژی و نتیجه اقدامات حاصله، طراحان جنگ سپاه و ارتش برای رسیدن به اهداف یاد شده، مقرر کردند دوازده طرح با نام سلسله طرح‌های «کربلا» با این ویژگی تهیه شود: "ویژگی ۱۲ طرح پیش‌بینی شده مبنی بر تناسب توان نیروهای مسلح با ظرفیت موردنیاز منطقه عملیاتی، وضعیت زمین از جنبه نظامی و نیز اهمیت عملیاتی بود."^(۲) براساس اصول و اهداف مذکور در مذاکرات نهایی شورای عالی دفاع طرح‌ها آماده و تعدادی تصویب

شهر سوسنگرد و جنوب غرب اهواز گردید. اتخاذ سیاست‌های ستیزه‌گرایانه، ناهماهنگ و مقابله‌جویانه بنی‌صدر رئیس‌جمهور و فرماندهی کل قوا به صورت عیان از بدو جنگ، در برابر امام خمینی و سیاست‌های نظام، منجر به بروز تشتت و شکاف در اداره امور کشور شد و به طور مشخص بر مقاومت مردم و نیروهای مسلح در جبهه‌های جنگ تأثیر منفی گذاشت. وجود اختلاف و تفرقه از عرصه تصمیم‌سازی تا مراحل اجرایی در مسائل سیاسی، دفاعی و نظامی کشور منجر به بروز نابسامانی و بی‌ثباتی در داخل کشور و عدم تحرک یا به تعبیری رکود در میادین نبرد شده بود. این وضع تا پایان سال اول جنگ ادامه داشت و بعد از فرار بنی‌صدر از کشور و ایجاد هماهنگی بین ارتش و سپاه، با طراحی و اجرای نبردهای مشترک نیروهای مسلح شکل جدیدی از تلاش‌ها در جبهه‌های جنگ با رقم خوردن عملیات ثامن‌الائمه^(ع) و طریق‌القدس آشکار شد.

در پی موفقیت عملیات شکست حصر آبادان تحت عنوان ثامن‌الائمه^(ع) - که در آغاز سال دوم جنگ اجراء شد و مهم‌ترین تحول نظامی تا آن زمان بود - زمینه لازم به منظور صورت‌بندی و تدوین استراتژی جنگ با هدف آزادسازی مناطق اشغالی فراهم شد. این استراتژی ملهم از منویات و رهنمودهای حضرت امام خمینی و بسترسازی همزمان سیاسیون و نظامی‌ها در مراکز سیاستگذاری و تصمیم‌گیری - و به دنبال انجام موفقیت‌آمیز عملیات‌های محدود با شیوه و سبک جدید - آغاز شد و به نتیجه مطلوب رسید. در چنین اوضاع و احوالی، مردم با توجه به

اتخاذ سیاست‌های ستیزه‌گرایانه، ناهماهنگ و مقابله‌جویانه بنی‌صدر رئیس‌جمهور و فرماندهی کل قوا به صورت عیان از بدو جنگ، در برابر امام خمینی و سیاست‌های نظام، منجر به بروز تشتت و شکاف در اداره امور کشور شد

منطقه عملیاتی مذکور دارای وسعت حدود ۳۰۰ کیلومترمربع بوده و از حیث جمعیتی دارای جمعیت عرب و فرهنگ عشایری می‌باشد.^(۴)

این منطقه در شمال به ارتفاعات میشداغ، الله‌اکبر و تپه‌های رملی و در شرق از یکسو به دغاغله و رودخانه نیسان و شهر حمیدیه و از سوی دیگر به رودخانه‌های کرخه و سابل و نهر عبید و روستای صالح حسن و در غرب به هورالهوریه و تنگه جزابه - تنگ‌ترین معبر شمال غرب بستان - و مرزهای بین‌المللی و در جنوب به رودخانه نیسان و هویزه محدود می‌گردد که برای نیروهای پیاده، زرهی، مکانیزه و سوار زرهی غیرقابل عبور می‌باشد.

پوشش گیاهی موجود در منطقه عمدتاً گیاهان عمومی است. تنها رود مهم و حائز اهمیت در این قسمت، رود کرخه است. رود کرخه که این محور را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده است نیز اهمیت بسیاری دارد.

عوارض مصنوعی منطقه شامل مناطق مسکونی، پاسگاه‌ها، جاده‌ها، پل‌ها و خاکریزها می‌گردد که

مهم‌ترین آنها عبارتند از: جاده آسفالت سوسنگرد - بستان - جزابه، و جاده شنی حدفاصل تپه‌های الله‌اکبر و روستای شاکریه تا شمال بستان و تنگه جزابه و پاسگاه‌های سوبله، صفریه، سعیدیه، خرابه و ... آبادی‌های منطقه شامل دهلاویه، بردیه، دغاغله، سابل، جزابه، خرابه و دیگر روستاها می‌باشد. "پل‌های احداث شده بر روی رودخانه‌های موجود در منطقه، به عنوان عوارض مصنوعی دیگر در منطقه تلقی می‌گردد، از جمله پل‌های رمیم، ابوچلاچ، سابل، حاج مسلم (پل شناور) بر روی رودخانه

شد و در واقع کلیه تحرکاتی که پس از این زمان تا یکسال آینده انجام گرفت، در چارچوب استراتژی جدید و بر پایه طرح‌های ارائه شده بود.

در این زمینه یکی از طراحان ارتش که در مناطق عملیاتی حضور مؤثر و فعالانه داشت می‌نویسد:

"طرح‌های مذکور را شماره گذاری نمودند و بر این مبنا برای مناطق سه‌گانه عملیاتی مشخص و تقریباً مجزایی که در خوزستان در سال اول جنگ شکل گرفته بود، ۳ طرح عملیاتی با اولویت اولیه اختصاص داده شد که تقریباً همزمان در دست تهیه و اجرا قرار گیرند."^(۳)

بر همین اساس عملیات طریق‌القدس اولین حلقه از زنجیره عملیات آزادسازی محسوب می‌گردید که بر مبنای استراتژی جدید طراحی شده بود. پس از رد و بدل شدن مباحث مختلف میان فرماندهان سپاه و ارتش، عملیات «طریق‌القدس» به عنوان اولین گام از سلسله عملیات کربلا در منطقه دشت آزادگان طراحی شد.

ج. موقعیت و محدوده جغرافیایی منطقه عملیاتی

منطقه میانی خوزستان را در بررسی و تجزیه و تحلیل نبردهای هشت سال دفاع مقدس می‌توان به صورت یک صحنه عملیاتی مشخص به حساب آورد. در این منطقه شهرستان سوسنگرد مرکز فرمانداری دشت آزادگان و شهرهای بستان، هویزه و حمیدیه قرار گرفته‌اند که منطقه عملیاتی طریق‌القدس در محدوده دشت آزادگان قرار گرفته است و دارای چنین ویژگی‌ها می‌باشد:

منطقه عملیات طریق‌القدس حدوداً بین ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۵۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۵۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۹ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. این منطقه در حدود ۷۵ کیلومتری شهر اهواز و در منطقه عمومی دشت آزادگان و در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد.

رهنمودهای حضرت امام خمینی و بسترسازی مقامات سیاسی و نظامی در مراکز سیاستگذاری و تصمیم‌گیری، عملیات‌های محدود با شیوه و سبک جدید آغاز شد و به نتیجه مطلوب رسید.

خرمشهر، جزیره آبادان و اهواز به عنوان مراکز مهم استان جزء هدف‌های اصلی تلقی می‌شدند. بدین ترتیب که سپاه سوم عراق قصد داشت با تصرف شهر اهواز، بخش عمده‌ی از استان خوزستان را اشغال کند و زمینه‌های تجزیه این استان و الحاق آن به خاک عراق را فراهم آورد. از این رو در طرح حمله به سمت شهر اهواز، سه لشکر عراق گسیل شدند. لشکر ۹ زرهی در محور بستان - سوسنگرد مهم‌ترین مأموریت را بر عهده داشت و لشکر ۵ در جنوب اهواز، سایر قوای احتیاط سپاه سوم نظیر لشکر یک در شمال این شهر، می‌بایست به کمک لشکر ۹ در کار اشغال شهر بشتابند و زمینه لازم تصرف شهر اهواز را فراهم سازند.

"نیروهای عراقی در منطقه دشت آزادگان حرکت خود را از دو محور آغاز کرد." (۶) این دو محور، از شمال و جنوب به صورت گزانه‌بری دشت را احاطه می‌کردند.

"لشکر ۹ زرهی، هجوم خود به خاک ایران، به منظور تصرف بستان، سوسنگرد، حمیدیه و سپس اهواز را آغاز کرد." (۷)

ارتش عراق در هنگام هجوم توانست بخش‌هایی از مناطق دشت آزادگان را به اشغال خود درآورد. از هنگام تصرف مناطق دشت آزادگان تا طراحی عملیات طریق‌القدس رزمندگان اسلام ده‌ها عملیات ایذایی و محدود انجام دادند و آسایش را از ارتش عراق سلب کردند.

عوامل مؤثر در طراحی عملیات

با انجام موفقیت‌آمیز عملیات ثامن‌الائمه^(ع) - که نشان داد طراحی و انجام عملیات‌های گسترده با سبک و شیوه جدید هم در دکتین و هم استراتژی، امکان‌پذیر است - فرماندهان سپاه و ارتش طی جلسات متعددی شرایط جدید را مورد بررسی قرار داده و مبتنی بر آن استراتژی جدیدی را تعریف

کرخه، پل‌های دغاغله، الوان و مشرفه، نیسان بر روی رودخانه نیسان و پل‌های شیخ خزعل و گشعم بر روی رودخانه کرخه‌کور و پل‌های شناور بر روی رودخانه نیسان، کاویان و نهر مجریه. پل‌های ابوچلاج، سابل و نیسان به عنوان محور ارتباطی مهمی بین شمال و جنوب هم‌چنین شرق تا غرب منطقه نقش مهمی ایفاء می‌کردند." (۵)

میدان‌های مین، مواضع و خاک‌ریزهای احداثی دشمن، آب‌گرفتگی‌های موضعی منطقه به‌خصوص در منطقه شرقی از جمله سایر عوارض مصنوعی این منطقه عملیاتی محسوب می‌شدند.

آغاز جنگ

حاکمان بغداد در فاصله پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ با مقاصد و تمهیدات گوناگونی اقدام به ایجاد بحران، نا امنی و تضعیف اقتدار نظام جمهوری اسلامی در مناطق سرزمینی دشت آزادگان کردند و برای هجوم سراسری خود به این مناطق زمینه لازم را فراهم ساختند.

ارتش عراق هجوم سراسری خود را با حملات نیروی هوایی و سپس زمینی سازماندهی کرد.

پس از این‌که بمباران هوایی و گلوله‌باران توپ‌خانه‌ها که در عقبه‌های نزدیک خطوط مقدم قوای ایران مقارن با بعدظهر ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ صورت گرفت، جنگ به طور رسمی آغاز شد. تلاش اصلی نیروی زمینی عراق، براساس عملیات در محور جنوب و سپس به عنوان دو تلاش پشتیبانی در جبهه‌های میانی متمرکز بود. ارتش عراق مهم‌ترین اهداف نظامی خود را در جبهه‌های جنوب می‌جست و در این میان،

عملیات طریق‌القدس اولین حلقه از زنجیره عملیات آزادسازی محسوب می‌شود که بر مبنای استراتژی جدید طراحی شده بود



گروهی از نیروهای بسیجی مسلح و با تجهیزات در حال اعزام به منطقه عملیات طریق القدس.

کردند که چند هدف را دنبال می‌کرد: کاستن از خطوط پدافندی و در نتیجه آزادسازی نیروها به منظور افزایش توان برای آزادسازی گام به گام سایر مناطق اشغالی و آماده شدن برای عملیات بعدی تا انهدام ماشین جنگی ارتش دشمن.

الف. علل انتخاب منطقه

عمده‌ترین دلیل انتخاب این منطقه برای انجام

دومین نبرد بزرگ جمهوری

اسلامی ایران در سال ۱۳۶۰ علیه ارتش صدام، تناسب زمین و وسعت این منطقه عملیاتی با توان رزمی موجود رزمندگان اسلام در آن دوره زمانی بود. این مسئله پس از شناسایی مستمر که در ماه‌های قبل بر روی این منطقه در حال انجام بود مشخص شد. از سوی دیگر مهم‌ترین عنصر کلیدی برای موفقیت در این عملیات رسیدن نیروی نظامی ایران به تنگه چزابه در حوالی مرز رسمی بین دو کشور بود که عمده‌ترین عقبه دشمن و مهم‌ترین خط مواصلاتی ارتش عراق در این محدوده به حساب می‌آمد. تسخیر تنگه چزابه که در واقع نقطه ورودی ارتش عراق به خاک ایران بود، موجب از هم گسیختگی خطوط یکپارچه دشمن می‌گردید، مضافاً بر این‌که نزدیکی بستان به مرزهای رسمی بین دو کشور و تأمین آن قابل دسترس بود و از نظر سیاسی - تبلیغاتی می‌توانست بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای نزد افکار عمومی مردم دو کشور و خاورمیانه را در پی داشته باشد و موقعیت ارتش بعثی عراق در رژیم صدام را متزلزل کند.

ب. اهداف عملیات

اهداف این عملیات عبارت بودند از:

۱. قطع ارتباط نیروهای دشمن بین مناطق شمال و جنوب دشت آزادگان با تصرف و تأمین تنگه چزابه.
۲. انهدام تجهیزات نیروی دشمن مستقر در منطقه دشت آزادگان در حد دو لشکر.
۳. رسیدن به مرز بین‌المللی و آزادسازی منطقه‌ی به وسعت حدود ۶۵۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری اسلامی ایران.
۴. تمرکز و صرفه‌جویی در نیروی پدافندی غرب سوسنگرد و آزادسازی یک لشکر و یک تیپ زرهی از نیروهای ارتش و ۴ تیپ از نیروهای سپاه.

د. بحث و بررسی طرح مانور

در طرح‌ریزی مانور عملیات پیش‌بینی شده بود که نیروهای سپاه و ارتش باید با عملیات تهاجمی وسیع و انهدام گسترده قوای دشمن در این منطقه، توان رزمی و میل جنگجویی نیروهای متجاوز را به شدت کاهش دهند و برای اجرای حمله نهایی جهت بیرون راندن دشمن از سرزمین‌های اشغالی آماده باشند،

مورد تصویب فرماندهان سپاه و ارتش قرار گرفت. محورهای مختلف عملیات با در نظر گرفتن شاخص‌های متعددی، مانند وضعیت دشمن، زمین، ضرورت‌ها و تاکتیک‌های ویژه تعیین و برای هر محور اهداف و سازمان رزم مشخص بشرح ذیل در نظر گرفته شد.

۱. تلاش اصلی نبرد

با توجه به تحلیل و بررسی از نگرش دشمن نسبت به توان خودی و عدم باور آنان نسبت به امکان عبور قوای خودی از منطقه رملی شمال عملیات، محور شمالی رودخانه کرخه به عنوان بازوی اصلی مانور تک احاطه‌ای عملیات انتخاب لذا مقرر شد این منطقه با استفاده از یک مانور احاطه‌ای و با به کار بردن دو تیپ پیاده سپاه و یک تیپ زرهی ارتش پاکسازی شده و تنگه چزابه تأمین شود.

در محور شمال رودخانه کرخه، تیپ ۳ زرهی از لشکر ۹۲ ارتش و تیپ‌های ۱۴ پیاده امام حسین^(ع) و ۳۴ پیاده امام سجاد^(ع) از سپاه پاسداران مأموریت داشتند تا ضمن تصرف مواضع دشمن در جابره‌مدان، تلاش اصلی خود را متوجه عمق کنند و پس از انهدام دشمن، شمال شهر بستان و شمال پل‌های احداث شده در ابوچلاچ را تأمین نمایند. در این جبهه، مقرر شد نخست نیروهای پیاده سپاه و بسیج پس از پشت سر گذاشتن مواضع استحکامات دشمن، توان آنها را منهدم و با پاکسازی و باز کردن معبرهای مناسب، به کمک نیروهای زرهی و مکانیزه تیپ ۳ لشکر ۹۲ و گردان‌های زرهی و مکانیزه سپاه به تک ادامه دهند یا به صورت نیروی پدافندی در منطقه آزاد شده، وارد عمل شوند.

۲. تلاش پشتیبانی نبرد

یک مانور جبهه‌ای با استفاده از ۲ تیپ پیاده سپاه و ۲ تیپ زرهی ارتش طراحی شد که ضمن پشتیبانی از تلاش اصلی، اهداف دیگری را دنبال می‌کرد که شامل آزادسازی بستان و منطقه غرب سوسنگرد و

بر این اساس پیش‌نویس طرح و مانور پیشنهادی عملیات طریق‌القدس که در دهه سوم مهرماه سال ۶۰ توسط قرارگاه مشترک ارتش و سپاه و با امضای غلامعلی رشید (فرمانده ستاد عملیات جنوب) از سپاه و سرهنگ نیاکی (فرمانده قرارگاه و لشکر ۹۲ زرهی) از ارتش تهیه و به فرماندهان سپاه و ارتش و نزاجا و کلیه یگان‌های حاضر در محدود منطقه عملیات و استان خوزستان اعلام و ابلاغ شد، که مهم‌ترین فراز آن از این قرار است:

"لشکر ۱۶ زرهی ارتش منهای تیپ ۳ تقویت شده با تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی ارتش و یگان‌های سپاه (تیپ‌های ۱۴ امام حسین^(ع)، ۳۴ امام سجاد^(ع)،

۲۵ کربلا و ۳۱ عاشورا) در ساعت (س)، روز (ر) در شمال و جنوب رودخانه کرخه حمله نموده و بستان و مناطق غربی سوسنگرد را آزاد، سپس با اتکاء به موانع طبیعی اقدام کنند."^(۸) دستور جزء به جزء عملیات در تاریخ ۵ آذر ۱۳۶۰ تهیه و به یگان‌ها ابلاغ شد. متن طرح مانور تنظیم شده بعد از بررسی در قرارگاه مشترک کربلا ارتش و سپاه بنا به پیشنهاد فرماندهان سپاه با تغییرات و اصلاحات اساسی روبه‌رو شد و حتی نام آن نیز به «طرح عملیاتی کربلای ۱» تغییر پیدا کرد.

ه. تشریح کلی طرح مانور عملیات

پس از بررسی‌های فراوان و تأکید بر اصولی همچون ضرورت هدف قرار دادن نیروهای احتیاط عراق در عمق، بهره‌گیری از نقاط آسیب‌پذیر دشمن، استفاده از توانایی‌های - توان رزمی و میل جنگجویی - سپاه برای شکستن خطوط و انجام تک احاطه‌ای توسط سپاه، و استفاده از یگان‌های زرهی ارتش برای پدافند از مواضع تصرف شده، طرح کلی مانور عملیات

عمده‌ترین دلیل انتخاب منطقه بستان برای انجام دومین نبرد بزرگ جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ علیه ارتش صدام، تناسب زمین و وسعت این منطقه عملیاتی با توان رزمی موجود رزمندگان اسلام بود.

شناسایی

با مشخص شدن مأموریت و اهداف عملیات، نیروهای واحد اطلاعات و عملیات بسرعت نسبت به شناسایی خطوط دشمن اقدام کردند و توجه اصلی آنان معطوف به شناسایی در عمق مواضع دشمن و یافتن راه‌کارهای مناسب بود.

در مهر ۱۳۶۰، یک شناسایی کلی از مناطق عملیاتی سوسنگرد توسط فرماندهی وقت سپاه انجام شد. در همین اثناء نیز دست‌اندرکاران اصلی عملیات سپاه یعنی غلامعلی رشید، رحیم صفوی و حسن باقری بالاتفاق نسبت به شناخت مواضع دشمن طی دفعات مختلف در ماه‌های مهر، آبان و آذر اقدام کردند.^(۹)

به دنبال این فعالیت‌ها، مساله کنترل دقیق محورها و شناسایی کامل‌تر منطقه عملیاتی مطرح شد و مسئولیت کار شناسایی‌ها بر عهده حسن باقری گذارده شد.

مهم‌ترین بخش شناسایی در عمق با هدف انهدام دشمن شامل سرزمین‌های در شمال غربی رودخانه نیسان واقع در منطقه غرب سوسنگرد و

حاشیه هور و در عمق مواضع دشمن در بر دارنده‌ی روستاهای دفار، نهر کسر، شیخ محمود و تا حوالی بیت نعمه می‌شد. برای شناسایی معابر خودی به طرف مواضع دشمن و بر عکس، شناسایی موانع مصنوعی شامل میادین مین، خاکریزها و سایر تأسیسات و نیز شناسایی و ثبت تحرکات و استعداد پشتیبانی دشمن اعم از هوایی، هوانیروز، توپخانه و پدافند هوایی اقدامات فراوان گسترده‌ای انجام گرفت. همچنین منطقه شمال کرخه در حد فاصل جناح شمال شرقی مواضع دشمن و ارتفاعات میشداغ در منطقه رملی نیز

نیز دستیابی به کرانه شمالی رودخانه نیسان و سواحل شرقی هورالهوریزه بود.

تلاش برای کسب آمادگی

بر پایه ویژگی‌های مثبتی که منطقه عملیاتی بستان - سوسنگرد داشت، این منطقه برای اجرای عملیات انتخاب و اقدامات ضروری برای آماده‌سازی آن آغاز شد.

معمولاً برای انجام هر عملیات، طی جنگ ایران با عراق اقداماتی به شرح زیر صورت می‌گرفت:

شناسایی منطقه موردنظر، کسب اطلاعات از استعداد و نحوه آرایش دشمن، تشکیل سازمان رزم برای شرکت در عملیات، طرح‌ریزی مانور عملیات، انتقال یگان‌های رزمی به منطقه عملیات و اجرای عملیات در زمان مناسب.

بر این اساس، در عملیات طریق‌القدس اقدامات فوق‌الذکر صورت پذیرفت که تنها بخش‌هایی از آن مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

آماده‌سازی

بر اساس تجارب به دست آمده در عملیات حصر آبادان، فرماندهان تلاش عمده خود را معطوف مقدمات نبرد کردند. این کار به دنبال تشکیل جلسات متعدد به منظور انجام هماهنگی لازم صورت پذیرفت. هدف اصلی ایجاد وحدت رویه در واحدهای پشتیبانی، سازماندهی و انسجام و آماده‌سازی کامل نیروها برای مرحله نهایی بود. مضافاً بر این که مشکلات و کمبودها در سایه تشکیل نشست‌های مشترک قابل بررسی و رفع بود.

جهادسازندگی در آماده‌سازی پیش نیازهای ضروری عملیات به ویژه احداث جاده پیروزی که تأثیر تعیین‌کننده‌ای در موفقیت رزمندگان در محور شمال کرخه داشت.*

* فعالیت این مجموعه در مقاله جداگانه‌ای در فصل‌نامه نگین به طور مشروح مورد بررسی گرفته است.

دستور جزء به جزء
عملیات طریق‌القدس در
تاریخ ۵ آذر ۱۳۶۰ تهیه و
به یگان‌ها ابلاغ شد

گسترده‌گی و حساسیت، تقریباً دو برابر استعداد یگان‌های بخش شمالی بود که دارای ۳ تیپ زرهی، ۱ تیپ مکانیزه و ۲ تیپ پیاده بودند و مابقی در بخش شمالی قرار داشتند.^(۱۱) توان ارتش عراق به شکل گردان بدین ترتیب بود:

۱۴ گردان تانک، ۹ گردان مکانیزه، ۸ گردان پیاده، ۱۴ گردان نیروی مخصوص و کماندو به همراه سه هزار قاطع جیش الشعبی (استعداد ارتش خلقی شامل ۵ گردان نیروی مخصوص، ۶ گردان کماندو و به علاوه ۳ گردان دیگر بود). در مجموع با حدود ۴۴ گردان به علاوه ۳۰۰ دستگاه تانک و ۱۱۷ دستگاه نفربر، ۱۳ آتشبار توپخانه از جمله گردان‌های ۳۲۱، ۳۵۵، ۳۸۲، ۳۶۸، ۳۳۰ توپخانه، یک آتشبار از گردان ۳۹۰ و دو آتشبار از گردان ۳۶۲ و یگان‌های توپخانه پدافند هوایی، توان قوای دشمن را تشکیل می‌دادند.

همچنین، احتیاط نزدیک دشمن یک تیپ زرهی به استعداد ۱۰۰ دستگاه تانک و احتیاط مستقر در شمال و جنوب کرخه، ۲ تیپ زرهی به همراه گردان‌های کماندویی قیس و الحیفاء را شامل می‌شد.^(۱۲)

در بخش شمال رودخانه کرخه مواضع دشمن که از یک سو به رودخانه کرخه و از سوی دیگر به زمین‌های غیرقابل عبور رملی متکی بود توسط یک تیپ پیاده، یک تیپ نیروی مخصوص و یک تیپ زرهی و سه گردان توپخانه پدافند می‌شد. ترکیب یگان‌های ارتش عراق در این منطقه شامل تیپ تقویت شده ۲۶ زرهی از لشکر ۵، تیپ ۹۳ پیاده از لشکر ۴ پیاده کوهستانی، گردان ۱ پیاده از تیپ ۲۳ تحت‌الامر لشکر ۸ پیاده کوهستانی، تیپ‌های ۳۱ و ۳۲ نیروی مخصوص و قاطع‌المحمودیه (جیش الشعبی) و قاطع اسلام (جیش الشعبی) و تیپ ۴۲۲ پیاده بودند. فرماندهی جبهه شمالی دشمن در منطقه رمل‌ها به عهده تیپ تقویت شده ۲۶ زرهی از لشکر ۵ قرار داشت.^(۱۳)

شناسایی شد که اطلاعات آن بسیار حائز اهمیت بود و منجر به طرح‌ریزی عملیات به صورت احاطه‌ای شد و مسیر جاده‌های معروف به پیروزی یا ابوذر و فانوس بر روی منطقه رملی نیز براساس همین اطلاعات و برابر نیاز عملیات شناسایی و سپس احداث شد.

درست مقارن با واگذاری مأموریت اصلی شناسایی میدانی به سید علی حسینی تحت نظر حسن باقری او به همراه دوستانش کار خود را آغاز کردند. به دنبال ابلاغ مأموریت مشترک نیروهای مسلح گروهی در حدود ۴۰ نفر متشکل از پرسنل سپاه و ۶ نیروی سرباز وظیفه ارتش مأمور به سپاه با حضور افراد بومی منطقه دشت آزادگان به سرپرستی سیدعلی حسینی شکل گرفت.^(۱۰)*

وضعیت نیروهای دشمن

یگان‌های مستقر نیز جزء واحدهای زبده و نمونه به حساب می‌آمدند که به تدریج با اطلاعات به دست آمده توسط دشمن یگان‌های دیگری نیز بدان‌ها پیوسته و مواضع ارتش عراق را قبل،

حین و بعد از عملیات طریق‌القدس تقویت کردند. استعداد دشمن در سطح منطقه عملیات طرق‌القدس شامل ۱۰ تیپ زرهی و مکانیزه با حدود ۳۰۰ تانک و ۱۱۷ دستگاه نفربر به همراه بخشی از نیروهای کماندویی و نیروی مخصوص بود. استعداد یگان‌های ارتش عراق در منطقه جنوبی به علت

* نظر به اهمیت مبحث شناسایی بالاخص در محور شمالی، این موضوع به طور مستقل در شماره‌های آینده فصل‌نامه نگین مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مهم‌ترین بخش شناسایی در عمق با هدف انهدام دشمن شامل سرزمین‌های در شمال غربی رودخانه نیسان واقع در منطقه غرب سوسنگرد و حاشیه هور و در عمق مواضع دشمن در بر دارنده‌ی روستاهای دفار، نهر کسر، شیخ محمود و تا حوالی بیت نعهه می‌شد

درصد سازماندهی مجدد و جدید و مشخص کردن سازمان رزم خود برآمدند. فرماندهان هر یک از یگان‌ها به تکاپو افتاده و ضمن برآورد اولیه نیروی موردنیاز برای تحقق کلیات مأموریت‌های پیش‌بینی شده، درصد آزدسازی بخشی از نیروهای خود از مواضع پدافندی قبلی برآمدند. بدین ترتیب گسترش سازمان رزم سپاه و ارتقاء آن از گردان به تیپ بر توان نظامی ایران افزود و این مسئله نقش مؤثری در تبیین استراتژی جنگ و طرح‌ریزی سلسله عملیات‌های بعدی داشت.

جمع گردان‌های شرکت کننده در عملیات

استعداد نیروهایی که در حمله شرکت داشتند ۷ تیپ پیش‌بینی شده بود که شامل ۴ تیپ از سپاه و ۳ تیپ زرهی از ارتش، در مجموع به استعداد ۵۰ گردان بود. ۳۵ گردان از سپاه در بردارنده ۳۴ گردان پیاده، ۲ گروهان منهای مکانیزه و یک گردان تانک و ۱۶ گردان، از ارتش شامل ۶ گردان زرهی، ۶ گردان مکانیزه، یک گردان سوار زرهی و ۲ گردان پیاده بود که یک گردان آن از ژاندارمری ایفای نقش می‌کرد. نیروی احتیاط و پدافندی ۲ تیپ شامل ۱ تیپ زرهی (تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی قزوین از ارتش) و یک تیپ پیاده از سپاه (تیپ ۳۵ پیاده امام حسن^(ع)) بود.^(۱۵)

استعداد توپخانه ارتش ۷ گردان و همچنین استعداد ادوات سپاه ۳ گردان تقویت شده بود. به علاوه یگان‌های ارتش و سپاه هریک واحدهای مجزای پدافند هوایی، بهداری، مهندسی رزمی، تخریب، مخابرات و ... داشتند. ضمناً هوانیروز با انجام مأموریت‌های پشتیبانی، آتش، حمل‌آمد، نیرو و تخلیه مجروح و دیده‌بانی هوایی اقدام می‌کرد. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مأموریت پشتیبانی هوایی عملیات را به عهده داشت.

در عین حال مواضع دشمن در جنوب کرخه نیز از لحاظ ظاهری شبیه خاکریزهای شمالی بوده و توسط ۴ تیپ پیاده، مکانیزه و زرهی به علاوه ۴ گردان توپخانه محافظت می‌شد.

آرایش صفوف و خطوط دشمن در جنوب کرخه شامل تیپ ۲۵ مکانیزه از لشکر ۶ زرهی و تیپ‌های ۱۶، ۳۰ و ۹۶ زرهی از لشکر ۶ زرهی (مستقر در دهلاویه)، تیپ ۴۸ پیاده از لشکر ۱۱ پیاده، تیپ ۱۲ زرهی از لشکر ۳ زرهی - شامل گردان‌های تانک قادسیه، قطیبه، معتصم و ۳ مکانیزه - یک گردان از تیپ ۳۲ نیروی مخصوص - مستقر در رمله و دهیمی - گردان ۲۰ دفاع الواجبات نیروهای کماندویی لشکر ۷ پیاده و نیروهای به نام قاطع اسلام (با هویت جیش الشعبی) - مستقر در دهلاویه و سابله - و واحدهای متفرقه پیاده بود.

مسئولیت هدایت و کنترل واحدها و یگان‌های مستقر در جنوب کرخه بعهدہ لشکر ۶ زرهی دشمن به عنوان یکی از یگان‌های زبده ارتش عراق بود که قرارگاه آنها در غرب منطقه جفیر و جنوب شهر هویزه و حاشیه هورالهویزه بود.^(۱۴)

بر این اساس شناخت کاملی از ترکیب، گسترش، آرایش و استعداد نیروهای دشمن از سوی نیروهای زبده اطلاعات عملیات به دست آمد و شرایط برای نبرد مهیا شد.

ابلاغ مأموریت و سازماندهی و استعداد یگان‌ها و نیروها

پس از انتخاب یگان‌های مختلف ارتش و سپاه، توسط فرماندهان ذیربط، مأموریت هر کدام به صورت مجزا توسط فرمانده قرارگاه مشترک کربلا، غلامعلی رشید و مسعود منفرد نیاکی به فرمانده یگان‌های تعیین شده، در اواخر مهر ۱۳۶۰ رسماً ابلاغ شد. به دنبال انتخاب یگان‌های عملیات طریق‌القدس، هر یک از لشکرها و تیپ‌های موردنظر،

با توجه به عمق منطقه عملیاتی و نیاز به زمان کافی جهت دستیابی نیروها به اهداف پیش‌بینی شده ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز ۱۳۶۰/۹/۸ تعیین گردید. در همین خصوص گردان‌های عمل‌کننده محور شمال کرخه در محدوده دیدگاه ۳ که می‌بایست مواضع نظامی دشمن را در عمق ۱۸ کیلومتری تصرف کنند، نیروهای خود را از ۲۴ ساعت قبل گسیل کرده و بخشی از مسیر پر فرازونشیب رمل‌ها را در این فرصت پشت سرگذارند تا شب حمله در کمترین زمان و فاصله مکانی وارد عمل شوند و ضریب دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده را تضمین نمایند.

وضعیت جوی و تأثیر آن در عملیات

هم‌زمان با حضور نیروهای گردان‌های عمل‌کننده در منطقه، وضعیت جوی نیز دگرگون شد. هوا از صبح روز شنبه ابری شد، به طوری که امکان شناسایی هوایی از هواپیماهای دشمن را سلب کرد. وزش باد نیز - برای دشمن، مزید بر علت شد تا گردوغباری تمام سطح منطقه را بپوشاند.

چنان‌چه عنوان گردید قسمتی از شمال منطقه پوشیده از شن‌های روان (بود) که عبور از تپه‌ها را بسیار مشکل می‌کرد و سرعت رزمندگان کند می‌گردید. مع الوصف بارش باران، رمل‌ها را سفت و محکم کرده و عبور از آنها را آسان می‌نمود. مضافاً بر این‌که شدت بارش باران از ساعات اولیه شب موجب گردید که نیروهای گشتی شناسایی و نگهبانی دشمن که هر شب هوشیارانه مناطق را زیر نظر داشتند به داخل سنگرها رفته و ضریب میزان حساسیت آنها به صورت قابل توجهی کاهش پیدا کند.

در چنین شرایطی بود که رزمندگان اسلام، فارغ‌البال به ویژه بخش شمالی تپه‌های رملی را پشت سر گذاردند و بعد از عبور از زمین‌های سفت خود را به میداین مین و معابر نفوذی رساندند.

فرماندهی و هدایت عملیات و نحوه فرماندهی یگان‌ها

پس از تشکیل قرارگاه کربلا با حضور هم‌زمان ارتش و سپاه شرایط همکاری مشترک در زمینه‌های مختلف فراهم شد. به دنبال چندین بار تغییراتی که در زمینه فرماندهی و انتخاب یگان‌ها ایجاد شد، در نهایت مقرر شد تیپ‌های ۱۴ امام حسین (ع)، ۳۴ امام سجاد (ع) سپاه و تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ ارتش در شمال کرخه و تیپ‌های ۲۵ کربلا و ۳۱ عاشورا به‌مراه دو تیپ (۲۰۱) لشکر ۱۶ زرهی ارتش در جنوب کرخه به طور مستقل از یکدیگر و تحت فرماندهی یک قرارگاه موقت وارد عملیات شده و رابطه یگان‌های ارتش با یگان‌های سپاه هم تقریباً به صورت هم‌تا و با هماهنگی در طرح‌ریزی، اجرا

و هدایت عملیات درآمد. در اواخر آبان ماه براساس تدابیر فرمانده سپاه و نیروی زمینی ارتش قرارگاه‌های فرماندهی مرکزی و تاکتیکی در سطح منطقه تشکیل شد. علی‌ای حال فرماندهی نیروهای پیاده اعم از ارتش و سپاه که در موج‌های مختلف وارد عمل می‌شدند در کل، منطقه عملیاتی به عهده سپاه بود. در موج دوم نیروهای زره‌پوش ارتش و سپاه وارد عمل می‌شدند. فرماندهی نیروهای زرهی و مکانیزه به عهده فرماندهان نظامی سپاه و ارتش بود.

آغاز حرکت رزمندگان (از عقبه به سوی خط مقدم)

بنابر تدابیر قبلی، پایان روز ۱۳۶۰/۹/۵ به عنوان زمان آغاز عملیات انتخاب شده بود، لیکن نظر به معضلاتی که وجود داشت و همچنین عدم آمادگی کامل منطقه و یگان‌ها، انجام عملیات به پایان روز ۱۳۶۰/۹/۷ موکول شد. ساعت شروع درگیری نیز،

نیروهایی که در حمله شرکت داشتند شامل ۴ تیپ از سپاه و ۳ تیپ زرهی از ارتش و در مجموع به استعداد ۵۰ گردان بود. ۳۵ گردان از سپاه در بردارنده ۳۴ گردان پیاده، ۲ گروهان منهای مکانیزه و یک گردان تانک و ۱۶ گردان، از ارتش شامل ۶ گردان زرهی، ۶ گردان مکانیزه، یک گردان سوار زرهی و ۲ گردان پیاده بود که یک گردان آن از ژاندارمری ایفای نقش می‌کرد



سه نیروی رزمنده بسیجی، مسلح و در حال جنگ و گریز؛ حومه شهر بستان؛ ۱۳۶۰/۰۹/۰۸

حضار) برادر عزیزمان رشید مسئول عملیات سپاه، در این جریان، دستور آغاز عملیات را می‌دهد، به امید آنکه انشاء الله بتوانیم تا چند ساعت آینده به مرز برسیم" (انشاءالله حضار)^(۱۶)

غلامعلی رشید فرمانده عملیات و قرارگاه کربلا نیز این گونه کلام را آغاز و رمز را اعلام کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم "ولاحول ولاقوه الا بالله العلی العظیم" بنا به دستور فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و با کسب اجازه از ایشان، من به عنوان فرمانده عملیات، کلمه رمز شروع عملیات اخیر را که به نام عملیات طریق القدس معروف است می‌دهم: "یا حسین!..."^(۱۷)

آغاز درگیری

هنگامی که طنین صدای رمز عملیات، توسط فرماندهان صحنه نبرد غلامعلی رشید در بی‌سیم‌ها پیچید، بلافاصله رزمندگان در دل تاریک شب به قلب صفوف دشمن هجوم بردند. حمله گسترده سلحشوران ایرانی به عمق مواضع دشمن، آغاز شد.

شرح عملیات

آغاز حرکت یگان‌ها

در شرایطی که باران رحمت‌الهی می‌بارید، در آن تاریکی چشم‌ها به سیاهی‌ها دوخته شده بود و گوش‌ها انتظار فرمان حمله را می‌کشید. در این هنگام برای رعایت اصل غافلگیری، سکوت مطلق رادیویی برقرار و تمام شبکه‌های بی‌سیم خاموش بود.

در عین حال قرارگاه مرکزی فرماندهی

عملیات در روستای بردیه در غرب شهر سوسنگرد و در منطقه عمومی دهلاویه که کار هدایت نبرد را عهده‌دار بود، بر اوضاع تسلط کافی داشت.

در این لحظات نفس‌گیر، نیروهای رزمنده تحت امر یگان‌های خود، به موقع در نقاط از پیش تعیین شده حضور پیدا می‌کنند و در انتظار فرمان حمله می‌مانند.

صدور فرمان حمله

با سپری شدن شرایط و اوقات نگران‌کننده بالاخره لحظه موعود فرارسید و عقربه‌های ساعت ۳۰ دقیقه بامداد را نشان داد و فضای سکوت قرارگاه در بردیه با سخنان محسن رضایی فرمانده سپاه و بدین ترتیب شکست:

بسم الله الرحمن الرحيم
 "ولاحول ولاقوه الا بالله العلی العظیم" الان ساعت دوازده و نیم است و طبق توافقی که با برادران ارتش داشتیم با توکل بر خدا و با در نظر گرفتن یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه (صلوات فرستادن

محور شمال کرخه

از مسیر رمل‌ها، در بخش شمال کرخه، ۱۲ گردان پیاده، به عنوان نیروی احاطه کننده شامل ۱۱ گردان پیاده از سپاه و یک گردان پیاده از ارتش به همراه دو گردان تانک و یک گروهان مکانیزه متشکل از یک گردان زرهی سپاه و یک گردان زرهی ارتش و یک گروهان مکانیزه از سپاه حمله به سمت عمق جبهه‌ی دشمن برای رسیدن به خط استراتژیک تنگه چزابه را آغاز کردند.

محور جنوب کرخه

دو تیپ پیاده ۲۵ کربلا و ۳۱ عاشورا نیز با حضور چندین گردان وارد عمل شدند تا به دنبال آن‌ها نیروهای تیپ ۱ و ۲ لشکر ۱۶ زرهی قزوین به اهداف خود نائل آیند.

شهادت فرماندهان

اگرچه تلاش رزمندگان در این محدوده قابل تامل و شگرف بود لیکن وجود استحکامات فراوان و فشار زیاد دشمن در واکنش به یورش نیروهای خودی موجب شد که روند کار در پیشروی گره بخورد و نفرات آن گردان مدتی در معابر و میادین مین گرفتار شوند و نتوانند راه به جایی ببرند. رکود کار پیشروی نیروها در محدوده دسته خاکریز عصا شکل علاوه بر اینکه در شروع کار برای آنها موفقیتی در بر نداشت بلکه شرایط مخاطره آمیزی برای نیروهای عمل کننده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در محورهای دیدگاه دوم و به ویژه سوم به وجود آورده بود. زیرا آنها در عمق ۱۸ کیلومتری مواضع دشمن به شکل خطرناکی پیش رفته بودند و هر گونه خللی در موفقیت بخش شمالی، منجر

با توجه به عمق منطقه عملیاتی و نیاز به زمان کافی جهت دستیابی نیروها به اهداف، زمان عملیات ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز ۱۳۶۰/۹/۸ تعیین گردید.

به شهادت و اسارات فرماندهان و رزمندگان حاضر در عمق مواضع عراق می‌شد که در صورت وقوع، تبدیل به فاجعه‌ای می‌گردید که قابل جبران نبود. ساعت حدود یک بامداد را نشان می‌دهد. دیگر بیش از این درنگ جایز نبود، باید نیروها را به هدف رساند. فرمانده تیپ ۳۴ امام سجاد^(ع) که اوضاع را اینچنین بهم ریخته می‌بیند، مقرر هدایت عملیات را ترک می‌کند و اختیارات خود را در حضور رحیم صفوی به جانشین تیپ می‌سپارد و سراسیمه خود را به خط اول می‌رساند.

فرمانده با تسلط و اشرافی که به منطقه عملیاتی داشت. نیروهایش را به کانال نفوذی هدایت می‌کرد. کمک او به نیروهای واحدهای اطلاعات و عملیات و گردان تخریب، معبرهای موجود را تا اندازه زیادی برای عبور مناسب رزمندگان خط‌شکن مهیا می‌کند. به یک‌باره حدود ساعت ۴۵ دقیقه بامداد، فرمانده تیپ و بی‌سیم‌چی‌اش با رفتن روی مین و همزمان اصابت موج انفجار گلوله کاتیوشای دشمن به آنها در لحظات اولیه نبرد، به شهادت می‌رسند. در پس این رخداد، روند حرکت پرشتاب رزمندگان در جدار مواضع دشمن مجدداً کند شد و تمامی محاسبات قبلی را بهم ریخت.

به دنبال شهادت فرمانده تیپ ۳۴ امام سجاد^(ع) و همچنین شهادت و مجروح شدن تعدادی از فرمانده دسته‌ها و گروهان‌ها در میادین مین، هنگام هجوم به خاکریز عصا شکل - بر اثر مقابله نیروهای ارتش عراق - اضطراب برای مدتی بر وجود همگان در قرارگاه کربلا و مقرهای تاکتیکی مستولی شد هر چند تلاش برای رفع این نقصه با جابه‌جایی مدیران فرماندهان عملیات و اعزام فرد سلحشور و توانمند دیگری یعنی جانشین تیپ امام سجاد^(ع) عملاً آغاز و وارد فاز جدیدی شد.

حسین خرازی که به صورت مستقیم در دیدگاه سوم مستقر شده بود وقتی از فرماندهان گردان‌ها،

در عین حال سایر گردان‌های محور دیدگاه سوم نیز با پشت سر گذاردن موانع و پیدا کردن مسیر از ضلع شمالی تپه‌های دارالشیاع بالای سر قبضه‌های توپخانه قرار گرفتند.

دقیقاً در ساعت ۰۲:۳۵ دقیقه بامداد نیروی گردان‌ها همچون عقابی تیزچنگ از همه طرف توپخانه را محاصره و سپس برسرآنان یورش آوردند و آن را برای همیشه در ارتفاعات دارالشیاع خاموش کردند و تعداد ۱۹ قبضه توپ ۱۵۲ میلی‌متری و تعدادی قبضه توپ ۱۳۰ میلی‌متری را سالم به دست آوردند.

نحوه عبور و ضرورت حضور یگان‌های زرهی

در چنین اوضاعی نیروهای زرهی ارتش و سپاه که از غروب بتدریج حرکت کرده و آخر شب روی جاده بودند، بعد از آغاز درگیری و با شروع عملیات به حرکت خود تا دیدگاه سوم ادامه دادند و توانستند ضمن عبور نیروهای پیاده از معابر و خطوط اول به تدریج راه خود را در میان تپه‌ها پیدا کنند. اگرچه گردان زرهی ۲۹۳ تیپ ۳ لشکر ۹۲ و

تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) و یگان مستقل زرهی تحت امر قرارگاه هم مانند نیروها چندین بار مسیر را گم کردند اما بالاخره توانستند از موانع عبور کنند.

گسیل نیروهای زرهی از رمل‌ها، تپه‌های صعب‌العبور و جاده شنی شاکریه به بستان و تاخت آنها بسوی خطوط درگیری، امکان الحاق و تداوم عملیات یگان‌ها برای مراحل بعدی در محور شمال کرخه را فراهم ساخت و موجب قوت قلب رزمندگان اسلام برای پیمودن گام‌های بعدی شد. در هم کوبیدن مواضع دشمن در عمق منطقه

درخواست اعلام وضعیت کرد و همگی از گم شدن در رمل‌ها یاد کردند با لحنی محزون از ردانی‌پور می‌خواهد که آنها را به آرامش دعوت کند و برخودشان مسلط باشند.

دیگر سرنوشت نبرد به نحوه عملکرد حسین خرازی فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) و نیروهایش بستگی پیدا کرده و با شرایط آنها کاملاً گره خورده بود. چندین کیلومتر آن طرف‌تر، یعنی آن سوی تپه‌های در هم تنیده رملی هم ولوله و غوغایی بر پا بود.

طلیعه فرج و امید

تمهیدات به عمل آمده در محور شمالی کارساز بود و گره‌های ایجاد شده در مسیر انجام عملیات با تدبیر فرماندهان یک به یک در حال گشوده شدن بود. حضور مستقیم یکی از فرماندهان برجسته کارآزموده در خط مقدم بلافاصله انسجام را به اردوگاه تیپ ۳۴ امام سجاد^(ع) بازگرداند و با هدایت او نیروها روانه خاکریز دشمن شدند. هنوز ساعت اولیه عملیات سپری نشده بود که اخبار امیدوارکننده جای خود را به خبرهای ناامیدکننده اولیه داد.

دقایقی از ساعت یک بامداد سپری نشده بود که مقر فرماندهی محور شمال کرخه خبر گشایش‌های تیپ ۳۴ امام سجاد^(ع) را به فرماندهان عملیات قرارگاه کربلا مخابره کرد. حدود ساعت ۰۱:۰۵ دقیقه بامداد خبر شکسته شدن خاکریز عصا شکل از طرف تیپ ۳۴ امام سجاد^(ع) اعلام شد و بلافاصله بین واحدهای محورهای دیگر رد و بدل شد.

حسین خرازی پس از دقایقی راز و نیاز با محبوبش به شکل شگفت‌انگیزی آرام می‌شود. گویا گمشده و راه را یافته است. او با تمام وجود وارد عمل می‌شود. لحظاتی بعد سید جاسم و سید عبدالله [افراد بومی که از رزمندگان عرب محلی در جلو بودند] می‌آیند؛ با کمک آنها و هدایت آتش دهانه توپخانه دشمن بالاخره مسیر پیدا می‌شود.

اعلام رمز عملیات طریق‌القدس توسط غلامعلی رشید:
بسم الله الرحمن الرحيم "ولاحول ولاقوه الا بالله العلی العظیم" بنا به دستور فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و با کسب اجازه از ایشان، من به عنوان فرمانده عملیات، کلمه رمز شروع عملیات اخیر را که به نام عملیات طریق‌القدس معروف است می‌دهم: "یا حسین!"...

به هر حال اطلاعات و اخبار دریافتی از خطوط مقدم در خط حد تیپ ۲۵ کربلا و تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی چندان رضایتبخش نبود و رزمندگان دائم مناطق را با دشمن دست به دست می‌کردند.

«به دنبال پیشروی اولیه نیروها در محدوده رودخانه سابله و عبور از نهر عبید حمایت لازم توسط یگان‌های زرهی از آنها به عمل نیامد و از آنجائیکه نیروهای دشمن در ضلع شمالی قرار داشتند، آنها [نیروهای پیاده گردان‌های تیپ ۲۵ کربلا] مجبور شدند شبانه از ضلع شمالی عقب بکشند و در مواضع دیگری مستقر شوند.^(۱۸)

تیپ ۳۱ عاشورا [و تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی] در خط حد عملیاتی خود ضمن عبور از میداین مین در نقاطی توانست خط اول دشمن را بشکند و بداخل مواضع آنان رسوخ و حتی در مواردی به عمق مواضع دشمن نفوذ کند که عبور از پل شیخ خزعل ۱ و ۲ و روستای زین‌العابدین و حرکت به سمت هویزه یک نمونه موفق آن به حساب می‌آمد ولی در مواردی خود را به خاک‌ریز اول رساندند که منطقه مگاصیص از این دست محسوب شدند و در نهایت بخشی از نیروهای عمل‌کننده بعثت هشیاری و آمادگی کامل دشمن صرفاً از میدان مین عبور کرده ولی نتوانستند خاکریز اول را پشت سر بگذارند و زیر صفیر گلوله ارتش عراق که به صورت تیرتراش دشت را زیر پوشش خود قرار داده بود، گیر کردند و ماندند. براین اساس نیروها محور جنوبی که خط حد تیپ ۳۱ عاشورا و تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی را شامل می‌گردید موفقیت چندانی را بدست نیاورده صرفاً با یک خیز تا حد امکان به مواضع دشمن نزدیک شدند و حداکثر به ۱۰ درصد اهداف خود رسیدند.

آزادسازی بستان

کلیه نیروهای یگان‌های عمل‌کننده در محور شمالی درصدد دستیابی به نقاط مهم دیگری برآمدند تا ضمن

شمال کرخه به ویژه در غرب روستای خرابه یعنی مقر تیپ ۲۶ مکائزه از لشکر ۵ زرهی ارتش عراق ضرورت داشت. بنابراین یگان‌هایی که از ارتفاعات دارالشیاع به سوی جاده موجود در منطقه سرازیر شدند، درصدد بودند تا با نیروهای تیپ ۳۴ امام سجاد^(ع) و محور دیدگاه دوم تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) الحاق کنند.

بعد از مدت زمانی که نیروها شیب تند ارتفاعات به سمت دشت را پشت سر گذاشتند، حدود ساعت ۴ صبح به کنار جاده رسیدند. ولی الحاق کامل آنها در واقع طی ساعات اولیه صبح روز هشتم آذرماه به وقوع پیوست.

جنوب کرخه

به موازات عملکرد مناسب سه تیپ سپاه و ارتش در شمال کرخه، همه انتظار داشتند در بخش جنوبی نیز با وجود تیپ‌های چهارگانه ارتش و سپاه اطلاعات دلگرم‌کننده‌ی را دریافت کنند.

اما شرایط در آنجا به گونه دیگری رقم می‌خورد و یگان‌ها در قبال هوشیاری دشمن و تک

جبهه‌ای نیروهای خودی، امکان پیشروی و شکستن خطوط دشمن را هنوز به صورت مطلوب به دست نیاورده بودند. اگرچه در ساعات اولیه حضور نیروهای کارگشته در خط حد تیپ‌های ۲۵ کربلا و ۳۱ عاشورا و در مناطقی نظیر نهر عبید و مگاصیص و پل الوان چشمگیر و غیرقابل تصور بود، اما رده‌های پدافندی دشمن و عدم وجود تأمین مناسب برای نیروهای خودی موجب عقب‌نشینی همراه با تلفات فراوان رزمندگان حاضر در بخش‌های مهم مذکور گردید.

حسین خرازی که در دیدگاه مستقر شده بود وقتی از فرماندهان گردان‌ها، درخواست اعلام وضعیت کرد و همگی از گم شدن در رمل‌ها یاد کردند با لحنی محزون از ردانی پور می‌خواهد که آنها را به آرامش دعوت کند و برخودشان مسلط باشند.

جنوب کرخه به منظور تحقق اهداف پیش‌بینی شده قرار داشت.

اعلام اخبار فعالیت‌های دشمن در همان ابتدای صبح (در ساعت ۸ تا ۹:۳۰) توسط معینان معاون اطلاعاتی حسن باقری از این قرار بود که اعلام کرد: "در موج اول پاتک‌های صبحگاهی سه‌گردان زرهی رافدین، معلق و المثنی که هر کدام استعداد ۴۵ دستگاه تانک دارند، در محدوده تیپ‌های ۳۱ عاشورا و ۲۵ کربلا حضور پیدا کرده‌اند و یگان‌های احتیاط نیز به منطقه جنوب نیسان و پل الوان منتقل شده و آماده‌اند تا وارد عمل شوند."^(۱۹)

در هر حال عملکرد یگان‌های محور جنوب

کرخه به دلایل مختلف رضایت بخش نبود، رزمندگان نیز با پیشروی محدودی پشت خاکریزها و مواضع دشمن مانده بودند.

مرحله و شب دوم نبرد

نبرد در جزابه

پس از سپری شدن شب و روز اول نبرد، به سبب آسیب‌های جدی و فراوانی که سازمان تیپ ۳۴ امام سجاد^(ع) متحمل

شد و دو تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) و ۳۴ امام سجاد^(ع) در هم ادغام شدند و مقرر گردید هر دو در قالب یک یگان و به صورت متحد و یکپارچه وارد عمل شوند و گردان‌ها و نیروهای باقیمانده تا انتهای نبرد تحت امر فرماندهی حسین خرازی ایفای نقش می‌کنند. در این فاصله، حسین خرازی به ارزیابی توان و شناسایی از مواضع دشمن اقدام کرد. در مجموع ۶ گردان پیاده سپاه و چهار گردان زرهی از سپاه و ارتش در تداوم عملیات جهت آزادسازی پل‌های سابله و ابوچلاچ و تنگه و تپه جزابه وارد عمل شدند.

الحاق زمینه را جهت آزادسازی شهر بستان و پل‌های حاج مسلم و ابوچلاچ را فراهم سازند. با ورود قوای ایرانی به بستان درگیری‌ها برای تکمیل شدن محاصره شهر و پاکسازی کامل آن با حضور یگان‌های پیاده سپاه از حدود ساعت ۸ صبح به بعد آغاز می‌شود. به دنبال حضور گردان‌های تیپ‌های ۱۴ امام حسین^(ع) و ۳۴ امام سجاد^(ع) به صورت همزمان در محدوده شهر بستان و نفوذ نیروهای خودی به عمق مواضع دشمن، عملاً مقر تیپ‌های ۲۶، ۹۳ و ۳۳ زرهی عراق که در شمال غربی بستان قرار داشت، تسخیر شد و کلیه نیروهای این تیپ‌ها در مخمصه جانکاه و عجیب قرار گرفته و در واقع محاصره شدند.

رزمندگان که از پیروزی خود مطمئن بودند سعی کردند، کلیه نیروها و امکانات دشمن را سالم به اسارت و غنیمت بگیرند. برخی از نفرات ارتش عراق هنگامی که با یگان‌های ایرانی روبرو شدند و بی‌خبر از نفوذ نیروهای اسلام به عمق منطقه تحت تصرف آنها بودند، سعی کردند مقابله کنند و برخی دیگر پا به فرار گذاشتند. در عین حال بیشتر نیروهای تیپ‌های زرهی عراقی در راه مقابله به رزمندگان اسلام به هلاکت رسیدند و تعدادی دیگر یک گام به عقب گذاردند تا مقاومت را کمی دورتر در غرب بستان ادامه دهند.

بالاخره تا حوالی ظهر روز هشتم بعد از چند ساعت درگیری شهر بستان به صورت کامل پاکسازی و در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت.

بدین ترتیب شهر بستان بعد از ۴۰۹ روز از دست اشغالگران مصادف با هشتم آذر سال ۱۳۶۰ آزاد شد و زمام امور آن به دست نظام جمهوری اسلامی ایران افتاد.

هنگام صبح چندین مساله ذهن فرماندهان را به خود مشغول ساخته بود. نگاه اول مقابله با پاتک‌های دشمن و در گام‌های بعدی تثبیت مناطق آزاد شده و تأمین آن بود و در آخر ادامه دور تک در شمال و

پس از حضور گردان‌های تیپ‌های ۱۴ امام حسین^(ع) و ۳۴ امام سجاد^(ع) به صورت همزمان در محدوده شهر بستان و نفوذ نیروها به عمق مواضع دشمن، مقر تیپ‌های ۲۶، ۹۳ و ۳۳ زرهی عراق که در شمال غربی بستان قرار داشت، تسخیر شد

شد اما در مقابل قوای خودی اراده و تصمیم دشمن قرار داشت که با فرمان صریح صدام حسین فرمانده نیروهای مسلح و رئیس جمهور عراق از جنوب ده‌ها زره‌پوش و چندین یگان پیاده و مکانیزه خود را آماده کارزار کرده بود، این مهم به تأخیر افتاد و این شرایط از روزهای دوم و سوم آغاز و تا روزهای پنجم و ششم ادامه پیدا کرد.

روز پنجم نبرد (۱۳۶۰/۹/۱۲)

روز پنجشنبه ۱۲ آذر ۱۳۶۰ که پنجمین روز نبرد محسوب می‌گردد با تبادل آتش بین طرفین و تلاش قوای خودی برای نگهداری و تحکیم مواضع متصرفه سپری شد. از غروب روز پنجم پیام‌های معناداری از طریق بی‌سیم بین فرماندهان ارتش عراق رد و بدل می‌شد که موجب جلب توجه پست‌های شنود نیروهای نظامی شد. در عین حالی که بحث و بررسی فرماندهان عملیات به درازا کشیده شد و شب فرا رسیده بود، اما جلسه هنوز نتیجه‌ای در برندااشت. در این گیرودار، تحرکات دشمن و بالطبع میزان مکالمات آنان نیز افزایش یافت، حدود ساعت ۲۲:۳۰ پست شنودهای سپاه متوجه مبادله پیام‌های متعدد یگان‌های عراقی شدند. در پیامی که ساعت ۲۳:۵۰ دقیقه توسط قرارگاه فرماندهی دشمن به یگان‌های عراقی مخابره شد و توسط پست‌های شنود استراق شده بود چنین مطالبی نهفته بود که عنوان گردید:

"صدام حسین [فرمانده کل ارتش عراق] به شما سلام می‌رساند و به همه نیروها آفرین می‌گوید."

ششمین روز نبرد (۱۳ آذر ۱۳۶۰)

پاتک غافلگیرانه دشمن

در روز ششم عملیات (مقارن با ۱۳ آذر ۱۳۶۰)، دشمن تلاش کرد تا از تعلل رزمندگان در اتخاذ یک موضع پدافندی مطمئن و مستحکم در منطقه

مضافاً بر اینکه گردان ۱۰۶ تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) مأموریت داشت - در صورت نیاز - از نفوذ دشمن به سابله جلوگیری کند.

به علاوه گردان توپخانه ۱۰۵ در نزدیکی پل بستان و گردان توپخانه ۱۷۵ ارتش که در حوالی روستای شاکریه مستقر شدند مأموریت پشتیبانی آتش یگان‌های عمل‌کننده در شمال (تنگه چزابه، تپه‌های نبعه و عرب) و جنوب (پل‌های سابله و تعاون و رودخانه سابله و نهر عبید) را به عهده داشتند. همچنین نیروهای تک‌ور با بیش از ۱۴ قبضه از انواع خمپاره‌های ۱۲۰م.م و ۸۱م.م که گردان ادوات تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) را تشکیل می‌دادند، پشتیبانی می‌شدند.

پس از آمادگی و حرکت نیروها از حوالی بستان به سوی منطقه چزابه و به دنبال دریافت فرمان حمله در ساعت ۲۴:۱۵ دقیقه مورخه ۱۳۶۰/۹/۹، گردان‌های تعیین شده به طرف مواضع دشمن هجوم خود را آغاز کردند و توانستند به اهداف خود یعنی آزادسازی چزابه و دستیابی به مرز نایل آیند و مرحله دوم نیز با موفقیت به پایان رسید.

به دنبال تلاش‌های گردان‌های پیاده و زرهی که از شمال کرخه به سوی جنوب کرخه انجام گرفت، و با جدا شدن یگان‌هایی از تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) شکل گرفت.

صدور فرمان فرماندهان عملیات به یگان‌هایی نظیر تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) و گردان زرهی ۲ از تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی و انجام هماهنگی با فرماندهان تیپ ۲۵ کربلا و ۲ زرهی لشکر ۱۶ جهت اقدام مشترک اگر چه از روز دوم به صورت جدی آغاز

حوالی ظهر روز هشتم بعد از چند ساعت درگیری شهر بستان به صورت کامل پاکسازی و در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت

بچه‌های تیپ‌های ۱۴ امام حسین^(ع)، ۲۵ کربلا، ۲ لشکر ۱۶ زرهی و ۳ لشکر ۹۲ زرهی، گردان زرهی و مکانیزه سپاه همه رو بدانجا آورده بودند.

گروه‌های شنود فعالانه وارد عمل شده بودند و از لابلای پیام‌های مبادله شده دشمن دیگر متوجه شده بودند که تیپ ۱۲ زرهی که معروف به ابن‌ولید بود به گردان قطبیه مأموریت داده بود پل را تصرف کند و جلو بیاید. دو گردان قادسیه و معتصم هم پشت سر قطبیه وارد عمل می‌شدند. همزمان نیروهای تیپ‌های ۴۸ و ۳۱ نیروی مخصوص نیز وارد عمل شده بودند براساس اطلاعات نیروهای شناسایی، فرمانده‌ای که به مثلث سابله حمله کرده بود، افسری

جدی، قوی و سمج بود. یک گردان از تیپ ۳۱ نیروی مخصوص مأموریت داشت که از پل چوبی عبور و روستاها و دژ شمالی رودخانه سابله را تصرف کند. فرمانده تیپ ۳۱ سرهنگ صباح الصبری بود. یک تیپ هم مأموریت حمله از جاده تعاون را داشت که با جاده اصلی کمی فاصله و به موازات آن قرار داشت. فرمانده گردان کماندویی عراق که از

مثلث شکل شمال غرب پل سابله، سود جسته و آن را بار دیگر به تصرف خود درآورد و از آن طریق بستان را تهدید کند. در پنج روز گذشته، دشمن با وجود تلاش‌هایش در پل سابله اگرچه موفقیتی کسب نکرد، اما اجازه آزادی عمل و عبور نیروهای ایرانی را نیز سلب و شرایط لازم را برای سهمگین‌ترین صحنه نبرد خود فراهم کرد. دقایقی بعد پست استراق سمع سپاه خبر دیگری را از طریق شنود مکالمات واحدهای دشمن دریافت کردند که محتوای پیام حکایت از عبور دو واحد پیاده عراقی - شامل گردان‌های ۲ و ۴ لشکر ۴۸ - از پل می‌کرد. در چنین اوضاعی اخبار به دست آمده از بی‌سیم در اختیار تمامی فرماندهان حاضر منطقه قرار گرفت.

دیگر مشخص شده بود که پیام‌های ردوبدلی نیروهای دشمن با فرماندهانشان جنگ روانی و الکترونیکی نیست بلکه اخبار و اطلاعات واصله نشان از تلاش جدید ارتش عراق داشت.

فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) نیروهای خود را از قبل بر روی پل تعاون با فاصله حدود یک الی دو کیلومتری پل سابله مستقر کرده بود و درصدد تقویت آنها برآمده بود. ضمن اینکه نیروهای زرهی سپاه و ارتش نیز آخر شب از مسیر شمال به جنوب جاده‌های تعاون و سوسنگرد - بستان با سرعت به سوی پل سابله حرکت کردند.

نبرد سیزدهم آذرماه بین رزمندگان گردان‌های تیپ ۲۵ کربلا و گردان ۱۲۵ مکانیزه از تیپ ۲ لشکر ۱۶ از حدود ساعت ۴ بامداد به اوج خود رسید و کارزار سهمگین تن به تن آغاز گردید. مقاومت آنها سرسختانه ادامه داشت. دیگر فرماندهان تیپ ۲۵ کربلا سپاه و گردان ۱۲۵ زرهی خودشان شخصاً در منطقه خیمه زده بودند تا بتوانند با هدایت مؤثر نیروها مانع پیشروی بیشتر دشمن شوند.

نیروهای پیاده از همه سو رو به پل نهاده بودند، همه بسیج شده بودند، هر کس را می‌دید از

گروه‌های شنود فعالانه وارد عمل شده بودند و از لابلای پیام‌های مبادله شده دشمن، متوجه شده بودند که تیپ ۱۲ زرهی معروف به ابن‌ولید، به گردان قطبیه مأموریت داده بود پل را تصرف کند و جلو بیاید

روی پل عبور کرده، به همراه نیروهایش وارد عمل شده بود، از نزدیک اقدام به هدایت آنها می‌کرد. پیش‌روی نیروهای مخصوص کماندویی پیاده عراق شرایط عبور تانک‌های دشمن را فراهم کرد. ارتش عراق بدون معطلی گردان‌های، تیپ ۱۲ ابن‌ولید را وارد میدان معرکه ساختند تا از جنوب به سمت شمال روی جاده راه خود را باز کرده و در شهر بستان استقرار پیدا کنند. نزدیک صبح بود. درگیری در اطراف پل سابله بسیار شدید بود. از یک طرف عراقی‌ها با تیربار و خمپاره و گلوله مستقیم تانک

با دریافت گلوله‌های آر.پی.جی ۷ که با آن بتوانند به مصاف تانک‌های دشمن بروند. در این اوضاع نیروهای عراقی وحشت‌زده شدند. با این حرکت نیروهای خودی، دوباره بارقه امید میان رزمندگان زنده شد، اما فشار دشمن همچنان ادامه داشت. براساس گزارش شنود، هنگام دمیدن سحر و در آستانه صبح فرماندهان یگان‌های عراقی حاضر در صحنه از وارد آمدن فشار غیرقابل تحمل نیروهای ایرانی شکایت می‌کنند و اعلام می‌کنند تاب تحمل مقاومت در برابر یگان‌های سپاه و ارتش را ندارند ولی از ستاد عملیات دشمن به آنها پیام‌های امیدوارکننده‌ای داده می‌شود. مضافاً بر اینکه از آنها درخواست می‌کنند به حرکت خود ادامه دهند.

در چنین شرایطی که ارتش عراق فرمانده گردان‌های قطیبه، مقداد، خالد، معتصم و سرهنگ موفق را از دست داده و بخشی از تجهیزاتش نابود شده، در آستانه هزیمت قرار داشت و در سرایشی فروپاشی قرار گرفتند و سراسیمه یا به هلاکت رسیدند یا اسیر شدند یا اینکه پا به فرار گذاشتند. وقتی هوا روشن شد و خورشید طلوع کرد. جهنم پیاپی شده برای دشمن هویدا گردید. بوی خون، دود و باروت و صدای انفجار در هم آمیخته بود، دود غلیظی همه جا را فرا گرفته بود. تانک‌ها و نفربرهای عراقی روی پل و اطراف آن در حال سوختن بودند. خدمه تانک‌هایی که از پل عبور کرده بودند و ۲۰۰ متر در جاده آسفالت بستان جلو آمده بودند. با مشاهده چنین اوضاعی، پیاده شدند و فرار را برقرار ترجیح دادند. دیگر شالوده نیروهای مهاجم از هم پاشیده شده بود و توان مقابله را از دست داده بودند. بالاخره در ساعت ۱۳:۲۳ روز ۱۳/۹/۱۳۶۰ تیپ ۲۵ کربلا و تیپ ۲ زرهی لشکر ۱۶ موفق گردیدند با یاری و حضور فرمانده و نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) بالاخره پل سابل را بعد از حدود یک هفته کاملاً آزاد ساخته و تأمین آن را برقرار کنند.

و توپخانه می‌زدند و از طرف دیگر آتش توپخانه ارتش و ادوات سپاه روی سر آنها ریخته می‌شد، اما برتری آتش با ارتش عراق بود. ساعاتی بعد اولین تانک گردان زرهی تیپ ۱۲ عراق از پل سابل عبور کرد و راه را برای عبور هم‌قطارانش باز کرد. در این لحظات فرمانده گردان تانک عراقی سرهنگ موفق بود که اعلام می‌کند من از پل [سابل] عبور کردم نیروهای پیاده نظام عراقی هم پشت تانک‌ها در حال پیشروی بودند و مترصد بودند تا با عبور کامل گردان‌های زرهی آنها هم وارد عمل شوند. در طرف مقابل هم رزمندگان اسلام به ویژه آر.پی.جی زنها روی خاک‌ریز می‌رفتند و شلیک می‌کردند تا بتوانند تانک‌های جلودار دشمن را منهدم کنند.

شکست دشمن

پس از اینکه دشمن در ساعات اولیه هجوم خود به موفقیت‌هایی دست یافت، دیگر درنگ جایز نبود، از این لحظه به بعد نیروهای خودی با حداقل توان وارد عرصه کارزار شدند. در آغاز نیروهای گردان پیاده شهید چمران تیپ ۲۵ کربلا دو دستگاه تانک انتهای ستون روی پل سابل را با آر.پی.جی ۷ مورد هدف قرار داده و منهدم می‌کنند. سایر تانک‌های دشمن که عبور کرده بودند در این لحظه غافل‌گیر می‌شوند. یک دستگاه تانک چیتن گردان ۱۲۵ نیز که از روی جاده بالا آمده بود بنا به دستور مرتضی قربانی و سرگرد مخبری شروع به شلیک گلوله به سوی دشمن می‌کند. از سوی دیگر تسلیحات نیروهای پیاده مستقر در خط اول درگیری بلافاصله تأمین می‌شود، به ویژه شکارچیان زره‌پوش‌ها که

براساس گزارش شنود، هنگام سحر و در آستانه صبح، فرماندهان یگان‌های عراقی حاضر در صحنه با یاد کردن فشار غیرقابل تحمل نیروهای ایرانی اعلام می‌کنند تاب تحمل مقاومت در برابر یگان‌های سپاه و ارتش را ندارند



عبور یک دستگاه نفربر و یک دستگاه خودرو حامل تانکر آب از روی پل نصب شده بر روی رودخانه کرخه؛ منطقه عملیاتی طریق القدس؛ ۱۳۶۰/۰۹/۱۰

روزهای هفتم تا بیستم نبرد

از روز هفتم (۱۴ آذر ۱۳۶۰) تا روز بیستم نبرد (۲۷ آذر ۱۳۶۰) به صورت کم و بیش درگیرهای پراکنده در سطح منطقه ادامه داشت و اوضاع با تبادل آتش بین طرفین سپری شد. در عین حال هنوز نیروهای ایرانی به دنبال اتخاذ یک موضع پدافندی مطمئن و مستحکم در سرزمین‌های جنوب کرخه بودند.

فرار دشمن

همزمان با اتخاذ چنین تصمیمی در روزهای ۲۷ و ۲۸ آذرماه اتفاقات جدیدی در محدوده عملیاتی مذکور به سرعت در شرف وقوع بود. حجم آتش توپخانه دشمن به صورت چشمگیر و غیرمترقبه افزایش پیدا کرد. احتمال تلاش دشمن برای هجوم مجدد به شهر بستان و سوسنگرد رد شد. احتمال دوم مبنی بر فرار دشمن تقویت گردید. تامین نیروی انسانی اردوگاه خودی که با حضور نیروهای تیپ‌های ۲۵ کربلا و ۳۱ عاشورا و یکم و دوم لشکر ۱۶ زرهی که در مقابل دشمن از ۲۰ روز قبل صف‌آرایی کرده بودند شرایط را تغییر داد. نیروهای اطلاعاتی یگان‌های حاضر ضمن تنظیم و ارسال گزارش‌های واصله از سطح منطقه جنوب کرخه به نتایجی مبنی بر فرار دشمن دست پیدا کردند.

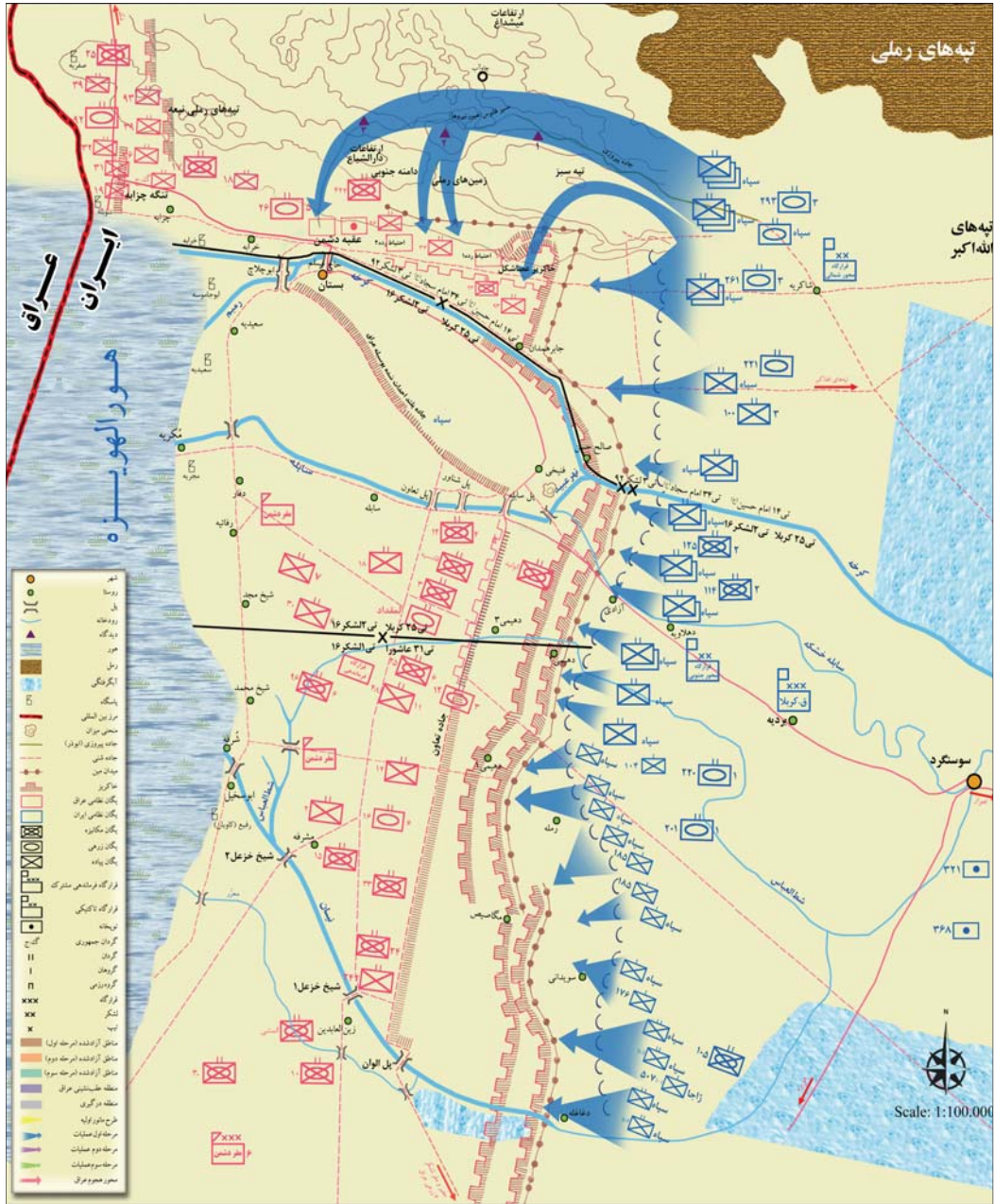
براساس گزارش‌های دریافتی از غروب روز ۲۹ آذر ۱۳۶۰ حجم آتش دشمن مجدداً افزایش پیدا می‌کند و تعداد نیروهای حاضر یعنی تیپ‌های ۱۴ امام حسین^(ع)، ۲۵ کربلا و تیپ‌های سوم و یکم

لشکرهای ۹۲ اهواز و ۷۷ ثامن‌الائمه^(ع) در شمال کرخه و سابله نیز افزایش پیدا می‌کنند و بعد از گذشت زمانی این وضع در جبهه جنوب کرخه نیز حکمفرما می‌شود. سپس یگان‌های حاضر ارتش و سپاه در هر دو محدوده، هدف آتش دشمن قرار می‌گیرند و این وضع تا هنگام طلوع خورشید در روز ۳۰ آذر ۱۳۶۰ ادامه پیدا می‌کند.

فرماندهان خودی تصمیم می‌گیرند تا بلافاصله مرحله بعدی نبرد طریق‌القدس را به منظور آزادسازی اراضی تحت اشغال دشمن در جنوب کرخه آغاز کنند. ولی قبل از شروع عملیات، فرماندهان عراقی به اشتباه تاکتیکی خود مبنی بر حضور در یک منطقه محصور با موانع طبیعی فراوان پی برده و بر همین اساس در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۳۰ در پوشش آتش شدید توپخانه نیروهای خود را از این منطقه خارج کرده و آنان را از تهاجم نیروهای ایرانی که ممکن بود به آنها حمله دیگری بیانجامد و تلفات وحشتناک‌تری از عملیات ۸ آذر ۱۳۶۰ را متحمل گردد، نجات داد و در نتیجه عملیات نیروهای خودی متفی شد.

و ملموس دو عملیات فرماندهی کل قوا (توسط نیروهای سپاه) و ثامن الائمه^(ع) (عملیات مشترک ارتش و سپاه) متجلی شد و همچنین بدنبال کسب تجربیات جدید، درصد برآمد تا با یک اقدام بزرگ

نتایج و دستاوردها
 جمهوری اسلامی ایران در پی موفقیت در نبردهای متعدد و محدودی که از ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ آغاز شد و تا مهر ۱۳۶۰ ادامه پیدا کرد که بصورت مشخص



نقشه عملیات طریق القدس

ضمن اینکه بیش از ۱۵ تیپ دشمن بین ۱۰ تا ۹۰ درصد منهدم و از صحنه نبرد خارج شدند.

۵. میزان تلفات (کشته و زخمی‌های) دشمن

کشته	۳۵۰۰ نفر
زخمی	۱۵۰۰۰ نفر
اسیر	۵۴۶ نفر

۶. آمار غنایم جنگی به دست آمده

تانک	۱۰۰ دستگاه
نفربر	۷۰ دستگاه
خودرو	۲۵۰ دستگاه
ماشین‌آلات راه‌سازی	۱۲۸ دستگاه
جنگ‌افزار ضد هوایی	۷۵۰ قبضه
توپ ۱۵۲م و ۱۳۰م	۱۹ قبضه
موشک‌انداز کاتیوشا	۱ قبضه
توپ ضد هوایی شلیکا	۲ قبضه
انواع مختلف تفنگ	هزاران قبضه
خمپاره انداز ۸۱م و ۱۲۰م	۳۰ قبضه

حضرت امام نیز در پاسخ نامه به تبریکات مسئولان کشوری و لشکری پیامی را به این ترتیب صادر کردند و این نبرد را فتح الفتوح نامیدند.

دیگر ضمن قطع ارتباط بین قوای دشمن در شمال و جنوب استان خوزستان، قوای متجاوز بعثی را تا مرزهای بین‌المللی عقب براند. برای این منظور تمامی توان بالفعل خود را در جبهه‌های جنوب متمرکز کرد و عملیات طریق‌القدس با موفقیت اجرا شد که در نتیجه هدف‌های تعیین شده به شرح زیر به دست آمد.

۱. استقرار و تداوم استراتژی نظامی نوین

۲. تحقق کامل اهداف

۱. بازپس‌گیری ۶۵۰ کیلومتر اراضی اشغالی دشت آزادگان از ارتش عراق.
۲. آزادسازی شهر بستان و بیش از ۷۰ روستای دشت آزادگان پس از ۴۰۹ روز.
۳. استقرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پشت مرزهای مشترک دو کشور بعد از ۴۳۲ روز.
۴. تصرف و تأمین منطقه عمومی سوسنگرد و بستان و تنگه چزابه.
۵. تجزیه قوای دو سپاه (سوم و چهارم) ارتش عراق.

۳. آزاد شدن سرزمین‌ها

آزادسازی بیش از ۶۵۰ کیلومتر از سرزمین‌های اشغال شده توسط ارتش عراق.

۴. میزان خسارات وارده به تجهیزات دشمن

۱. تانک و نفربر	۱۷۰ دستگاه
۲. خودرو	۲۰۰ دستگاه
۳. هواپیما	۱۹ فروند
۴. هلی‌کوپتر	۴ فروند
۵. ماشین‌آلات راه‌سازی	۳۰ دستگاه

ارجاعات

۱. رضایی، محسن، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، تاریخ ۷۴/۴/۲۷.
۲. فصلنامه نگین، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شماره ۲۲، سال ۶ پاییز ۸۶، صص ۸۴ و ۸۵، بختیاری، مسعود، عملیات طریق‌القدس، تهران، هیئت معارف جنگ شهید سپهد صیادشیرازی، نشر ایران سبز، ۱۳۸۰، ص ۲۲، مآخذ شماره ۱۱۲.
۳. بختیاری، مسعود، عملیات طریق‌القدس، هیئت معارف جنگ شهید سپهد صیاد شیرازی، نشر ایران سبز، ۱۳۸۰، ص ۲۲.
۴. پوراحمد، احمد، جغرافیای ماندگار دفاع مقدس، تهران، بنیاد حفظ و آثار دفاع مقدس، چاپ اول ۱۳۸۶، ص ۵۷.
۵. جعفری، فتح‌الله، جزابه، تهران: نشر سوره، چاپ دوم سال ۱۳۸۵، صص ۹۹-۱۰۰، ۶۲-۶۳ و سند شماره ۱۵۴۶۲۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تاریخ ۶۰/۱۰/۳، برآورد اطلاعاتی شماره ۸ رکن دوم قرارگاه تاکتی نزاچا در جنوب تاریخ ۶۰/۸/۲۶.
۶. انصاری، مهدی، روزشمار جنگ ایران و عراق (هجوم سراسری)، تهاجم و پیشروی‌های عمده عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم ۱۳۷۵، ص ۳۲.
۷. عملیات طریق‌القدس، آزادی بستان، تهران؛ نشر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۴، ص ۵۶.
۸. بختیاری، مسعود، عملیات طریق‌القدس، تهران، هیئت معارف شهید صیادشیرازی، نشر ایران سبز، ۱۳۸۰، برگرفته از مدارک موجود در لوح فشرده منظم به کتاب.
۹. جعفری، فتح‌الله، جزابه، چاپ سوره، سال دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۶.
۱۰. پیاده شده نواره شماره ۲۹۳۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، آذر ماه سال ۱۳۶۰.
۱۱. برگرفته از منابع مختلف ارتش و سپاه شامل موارد زیر: سند شماره ۲۵۰۰۹۴ مورخ ۶۰/۹/۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، عملیات طریق‌القدس، بختیاری، مسعود، هیئت معارف شهید صیادشیرازی، نشر سبز ایران در سال‌های ۸۷، ص ۱۸۳ و جنگ بازیابی ثبات، درودیان، محمد، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، صص ۱۷۵-۱۷۴، سند شماره ۶۸۹، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۱۲. سندهای شماره ۵۲۱۸۴۶-۹۱۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه نگین شماره ۶ (سال دوم) ص ۴۲ و شماره ۲۲، سال ۶ پاییز ۸۶، ص ۸۶.
۱۳. حسینی، یعقوب، ارتش در ۸ سال دفاع مقدس ج ۲، مسعود بختیاری و محمد حسن لطفی، چاپ ارتش، سال ۷۱.
۱۴. سندهای شماره ۵۲۱۸۴۶ و ۹۱۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه نگین، شماره ۶ (سال دوم)، ص ۴۲ و شماره ۲۲ (سال ششم)، پاییز ۱۳۶۸، ص ۸۶.
۱۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات طریق‌القدس سند شماره ۹۱۳، صص ۹-۸.
۱۶. پیاده شده نوار مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، هدایت عملیات به شماره ۳۷۰۳ به تاریخ ۷ و ۱۳۶۰/۹/۸.
۱۷. همان.
۱۸. پیاده شده دستنویس هدایت عملیات طریق‌القدس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، به شماره ۳۷۰۷ و تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸، صص ۳۶-۳۷.
۱۹. پیاده شده دستنویس هدایت عملیات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در عملیات طریق‌القدس، به شماره ۳۷۰۵ و تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸، صص ۴۶-۴۵.